



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۱

۲۰ دی ۱۳۸۱

۱۰ ژانویه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

نقش کارگران در صحنه سیاست

فاتح بهرامی

در تحولات سیاسی آینده ایران سرنگونی جمهوری اسلامی فرض همه است، اما به همین اندازه نمیتوان با قطعیت درباره نوع حکومت آتی و آنچه که به سر مردم ممکن است بیاید حرف زد. روشن است که خواست اکثریت عظیم مردم سرنگون شدن جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و رفاه در جامعه به جای آن است. اما طبقات و اقشار اجتماعی متفاوت هر یک تلاش میکنند مهر خود را بر این تحولات بزنند تا حکومت آینده نظامی در راستای اهداف و آمال و منافع آنها باشد. بنابراین بسته به اینکه این طبقات و احزاب آنها تا چه حد بتوانند در کشمکش و مبارزه بر سر قدرت سیاسی نقش ایفا کنند، نتایج متفاوتی ممکن است حاصل شود. اما

در اینجا قصد من اشاره ای به نقش طبقه کارگر در تحولات آتی و صحنه سیاست در ایران است، اشاره ای کوتاه به پتانسیل ها و امکانات بالقوه طبقه کارگر و همچنین ضعف ها و کمبودهایی که فعلا با آن روبرو است. واقعیت اینست که طبقه کارگر هنوز حضور قدرتمند و موثری در صحنه سیاست ایران بروز نداده است. با وجود این، ترس جمهوری اسلامی از حرکت سراسری و قدرتمند کارگران بحدی است که همواره در دعوای جناحی هر کدام بنوعی "خطر" به حرکت در آمدن کارگران را به دیگری گوشزد کرده است. بالاخره حاکمان اسلامی که امروز تصاویر و منظره های اواخر حکومت شاه با سرعت از جلو چشمانشان رد میشوند، و دارند سرنوشت خودشان را با آن رژیم مقایسه میکنند، از نقش کارگران در آزمون باخبر هستند. میدانند که بالاخره این طبقه کارگر و در پیشاپیش آنها کارگران نفت بودند که کمر رژیم شاه را شکستند. طنین شعار "کارگر نفت ما، رهبر سر سخت ما"، بخصوص امروز که مرگشان را نزدیک میبینند، بیشتر گوششان را آزار میدهد. قدرت اتحاد کارگران را میشناسند و تجربه کرده اند، از اینرو ترسشان از طبقه کارگری که متحد شده باشد بجاست. اما عدم حضور قدرتمند کارگران در صحنه سیاسی به چه معنی است؟ بطور خلاصه به این معنی است که در شرایطی که اقشار مختلف جامعه دارند به اشکال گوناگون به رژیم تعرض میکنند، کارگران هنوز مشغول دفاع از خود هستند، و هنوز نتوانسته اند تعرض به رژیم اسلامی را به پیش ببرند. واقعیت

صفحه ۴

اساس سیاست ما انسان است

حمید تقوائی



نویسنده جهانی و دموکراسی بازر آزاد و اسلام سیاسی و ناسیونالیسم و قومپرستی ایستاده ایم.

دفاع از حق و حرمت انسانها نه تنها در برنامه و سیاستهای حزب بلکه در بهبود و ارتقای زندگی انسانها همین امروز، در

صفحه ۲

های مبارزه، از مبارزات صنفی و هرروزه کارگران تا کمپین علیه سنگسار و از دفاع از حقوق پناهندگان و مهاجرین تا مقابله با قتلهای ناموسی در اروپا و از نقد قانون کار ناظر بر "کار ارزان و کارگر خاموش" تا دفاع از حق و حرمت کودکان همه جا پرچم انسان و رهایی انسان را برافراشته ایم. و در تمامی این عرصه ها در برابر ارتجاع سرمایه داری معاصر در اشکال سیاسی و مشخص امروزش، در برابر نظم

اساس سوسیالیسم انسان است. این جمله کوتاه منصور حکمت صرفا یک شعار و یا حکم نظری نیست، بلکه بیانگر حقیقتی است که از برنامه یک دنیای بهتر تا هر سیاست و حرکت و اقدام تاکتیکی حزب ما بر آن دلالت میکند. اساس برنامه یک دنیای بهتر به شهادت هر بند و پاراگراف آن رهایی و برابری و رفاه انسان است و فلسفه و اساس هر حرکت و مبارزه عملی حزب نیز چیزی جز این نیست. ما در تمام عرصه

پخش فیلم سخنرانی منصور حکمت در تلویزیون

صفحه ۲

جنگ آمریکا: اهداف و توجیهات!

علی جوادی



صفحه ۳

بازسازی هستند." بیش از صد هزار نیروی نظامی در منطقه گرد آورده شدند. فرماندهی نیروی جنگی آمریکا در منطقه مستقر شده است. فرماندار نظامی آمریکایی پس از صدام نیز مشخص شده است. هیات دست ساز و سر هم بنی شده عراقی که شامل بانوی از مرتجعین و آدمکشان و روسای قبایل و آخوندهای سوپر مرتجع هستند، میبایست عهده دار سایر امور حاشیهای شوند. بعلاوه قرار است مخارج مباران شهرها و

خطر وقوع جنگ آمریکا علیه مردم عراق هر روز بیشتر و زمان شروع حمله هر روز نزدیک تر میشود. حمله به عراق فاز دوم جنگ تروریستی آمریکاست. طرحهای نظامی چگونگی تهاجم و اشغال عراق آماده شده است. نیویورک تایمز مینویسد: این طرحها شامل حضور نظامی قوی آمریکا در عراق حداقل به مدت ۱۸ ماه، محاکمه نظامی افراد بالای رهبری عراق، و اشغال سریع چاههای نفت برای پرداخت هزینه های

اطلاعیه پایانی پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

صفحه ۲

کاظم نیکخواه

کارگران و دستمزد



صفحه ۳

برای رساندن سطح زندگی کارگر به خط فقر لازم است. جالب است که سخنگوی خانه کارگر جمهوری اسلامی با بز دفاع از کارگران گفته است دستمزد کارگران نباید کمتر از ۱۵ درصد افزایش یابد! اجازه دهید حقایق ساده بیشتری را پیش رو بگذاریم: حداقل دستمزد کارگران، تنها کارگرانی را که مشمول قانون کار جمهوری اسلامی هستند در بر میگردد. یعنی برای

یک حقیقت ساده: اگر حداقل دستمزد کارگران در ایران سه برابر شود، یعنی ۳۰۰ درصد اضافه گردد، به خط فقر میرسد. تازه این در صورتی است که خط فقر با معیارهای حکومت اسلامی تعیین گردد. در محافل وابسته به حکومت گفته میشود که قرار است دستمزدها برای سال هشتاد و دو، ۱۵ درصد افزایش یابد یعنی بیست بار کمتر از آنچه که

این ماشین جنایت را باید در هم کوبید!

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

اساس سیاست ما ...

تحقق عملی یک دنیای بهتر در هر سطح و حیطه ای که ممکن است، نیز اساس و راهنمای کار ما بوده است. ما تنها حزبی هستیم که در اپوزیسیون نیز منشا اثر بوده ایم. هزاران پناهنده و مهاجر ایرانی در آمریکا و اروپا، هزاران زن تحت ستم مذهب و ارتجاع ناسیونالیسم کرد در سلیمانیه، آزادیخواهان معترض به قتل‌های ناموسی و دختران خردسال قربانی نسبیت فرهنگی در سوئد و دانمارک، و هزاران آزادیخواهی که در سراسر دنیا از کمپین ما علیه سنگسار حمایت کرده اند و میکنند بر این حقیقت شهادت خواهند داد. ما تا آنجا که در توان یک حزب اپوزیسیون است زندگی انسانها را بهبود بخشیده ایم. اما این دستاوردها همه محدود و موقت و برگشت پذیرند. در اپوزیسیون نمیتوان تغییرات عمیق و پایدار در زندگی میلیونها انسان بوجود آورد. این امر، تحقق تمام و کمال برنامه یک دنیای بهتر و رفاه و برابری و آزادی انسانها در کل جامعه، تنها با تصرف قدرت سیاسی ممکن است. قدرت سیاسی کلید گز از نقد جهان موجود به تغییر آنست.

ما قدرت سیاسی را برای زیرو رو کردن جامعه طبقاتی و رهائی بشریت میخواهیم، اما این تنها حزب ما نیست که برای تصرف قدرت سیاسی مبارزه میکند. این هدف هر حزب جدی اپوزیسیون است که بقدرت برسد. وجه تمایز ما از دیگر نیروهای اپوزیسیون هدف ما از کسب قدرت و مضمون نظامی است که میخواهیم در ایران برقرار کنیم. اینکه هر حزبی در قدرت چه خواهد کرد و اثباتا چه نوع نظامی را خواهد ساخت بیش از هر چیز از مضمون اعتراض و نقدی که در اپوزیسیون مطرح میکند میتوان دریافت. کسی که صرفا با ولی فقیه دعوا دارد و با اعدام و سنگسار بخاطر علنی بودن این جنایات مخالف است، آنکه با حلف شیروخورشید از پرچم سه رنگ بر آشفته میشود و نگران تمامیت ارضی و بازگرداندن سه جزیره کلانای در خلیج به "مام وطن" است، نیمه شیخی که تمام رادیکالیسمش در "مرزبندی با شاه و شیخ" خلاصه میشود، این نوع منتقلین تغییری در زندگی مردم بوجود نخواهند آورد. نه نقد و اعتراضشان ربطی به درد مردم دارد و نه برنامه و نقشه اثباتیانشان برای اداره جامعه به آمال مردم مربوطست. اساس کار اینها انسان نیست، طبقه و نظامی است که در اقتیاد انسانها ذینفع است. حفظ نظام موجود است. پیدا کردن جانی در نظم نوین جهانی است. باز گرداندن ایران به سیستم بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است.

نقد حزب ما از جمهوری اسلامی در واقع انتقاد از این نوع مخالفینش هم هست. نمیتوان نقد عمیق و رادیکالی از نظام جمهوری اسلامی داشت اما مخالفین ناپیگیر آن، نیروهایی که هر یک به نحوی خواهان حفظ ارکان نظام موجودند، را به نقد نکشید. معیار و محک ما در نقد این نیروها، در ایده آنها و برنامه و سیاستهایی که مطرح میکنند، در برخوردشان به جمهوری اسلامی و در برخوردشان به مردم، همواره انسان، حرمت و شان انسانی، و رهائی و برابری و رفاه انسانها بوده است و خواهد بود.

امروز با در چشم انداز قرار گرفتن سقوط جمهوری اسلامی مساله جایگزینی رژیم به یک مساله محوری در صحنه سیاست ایران تبدیل شده است و همه احزاب و نیروهای سیاسی در قبال آن موضع گرفته اند. در این عرصه نیز محک و معیار ما رای و اراده و منافع مردم است. از نقطه نظر حزب ما راه متعارف عملی و سر راست و سریع اعمال رای و نظر مردم در تعیین نظام آتی انقلاب است. انقلاب تجلی مستقیم و صریح عزم و اراده توده عظیم مردم برای تعیین حکومت است. این عملی ترین و در عین حال دموکراتیک ترین راه برکناری جمهوری اسلامی و استقرار نظام مطلوب مردم است، و دقیقا بهمین دلیل شیوه مطلوب حزب ما نیز در تعیین نظام آتی انقلاب است. هرچه اعمال اراده و دخالت مستقیم مردم در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی وسیعتر و متشکل تر و همه جانبه تر باشد به همان درجه امکان تعیین تکلیف رادیکال و تمام و کمال با نظام موجود و برقراری جمهوری سوسیالیستی بیشتر خواهد بود. و باز دقیقا بهمین دلیل اپوزیسیون راست، همانند اپوزیسیون دوخرداد، در مقابل انقلاب ایستاده است. این نیروها نه تنها در طرح رفتاری بلکه با تز نافرمانی مدنی و برحذر داشتن مردم از خشونت در مبارزه با جمهوری اسلامی در واقع به مقابله با انقلاب برخاسته اند و کاملا طبیعی و قابل انتظار است که چنین باشد. مردمی که برای آزادی و رهائی انقلاب کرده اند را با شاه و تمامیت ارضی و پرچم سه رنگ و اسلام سرخ رجوی و یا نظامهای ملی مذهبی کمی بهتر از وضع موجود نمیشود به خانه فرستاد. طبیعی است که راه رسیدن به آرمان و اهداف سیاسی ای که انسانیت از آن غایبست نه نیروی آگاه و متشکل مردم، بلکه مقابله با این نیرو باشد.

در مقابل، حزب ما همواره بر نیروی آگاه و متشکل مردم تاکید و تکیه کرده است. مصویات اخیر دفتر سیاسی، قطعنامه در مورد حق مردم در تعیین نظام آتی و منشور آزادیهای سیاسی، اتکا به نیروی آگاه و متشکل مردم را مبنای شیوه تعیین نظام آتی حکومتی در ایران قرار میدهد.

این اسناد اعلام میکنند که نمایندگان شوراها و منشور آزادیهای سیاسی پیش شرط تضمین حق مردم در

تعیین نظام آتی است. ما در این اسناد مساله شیوه تعیین حکومت را از مضمون و محتوی حکومت جدا کرده ایم. البته در دنیای واقعی همانطور که در بالا توضیح داده شد این دو کاملا به یکدیگر مربوطند، اما طرح جداگانه آن به ما اجازه میدهد اتکا و اعتقاد خود را از یکسو به رای و نظر مردم در تعیین حکومت و از سوی دیگر به استقبال توده مردم از اهداف و آرمانهای انسانی حزب و جمهوری سوسیالیستی اعلام داریم. ما عمیقاً معتقدیم در شرایطی که مفاد منشور آزادیهای سیاسی قانونا و یا دفاکتو در جامعه متحقق شده باشد مردم جمهوری سوسیالیستی را انتخاب خواهند کرد. ازاینرو مفاد منشور و اتکا ما به نمایندگان شوراها مردم صرفاً یک تاکتیک که مناسب با شرایط روز انتخاب شده نیست، بلکه جزئی از استراتژی و برنامه همیشگی مبارزاتی ماست. ما بخاطر اهداف و سیاستهایمان، بخاطر مضمون و محتوی حکومتی که مطرح میکنیم به آزادی و به دخالت آگاهانه و آزادانه مردم متشکل نیازمندیم. و ازاینرو تعهد ما به منشور آزادیهای سیاسی و به شوراها برنامه ای و اصولی است. شوراها و منشور آزادیهای سیاسی مردم را درصحنه نگاه میدارد، راه را بر کودتا و بند و بست از بالا مینندد و از لاینباید شدن جامعه جلوگیری میکند. فراخوان ما به احزاب دیگر نیز در همین چارچوب اصولی و پایه ای قرار دارد. هر نیروی سیاسی مدعی احترام به رای و نظر مردم قاعدتاً باید از منشور آزادیهای سیاسی استقبال کند. هر نیروی سیاسی اپوزیسیون مستقل از نوع حکومت و نظامی که میخواهد باید به شرایط آزاد مبارزه سیاسی متعهد شود. اگر همه میگویند مردم باید انتخاب کنند، آنوقت روشن است که آزادیهای سیاسی باید مورد پذیرش همه باشد. حزب ما با انتشار منشور یکبار دیگر مردم را در محور سیاست قرار داده است.

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"

سه شنبه ها، ۸:۳۰ شب بوقت تهران

اطلاعیه پایانی پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

است. پلانفرم پایانی آن کنگره، پلانفرمی ارتجاعی به منظور سوق دادن جامعه عراق در لجنزار قومپرستی و عشیرتی کهنه پرستانه اسلامی و ناسیونالیستی و سرکوب و بی حقوقی مردم می باشد. پلنوم در این رابطه بیانیه ای خطاب به مردم صادر کرد. با در نظر گرفتن تغییر و تحولات و پیشروی هایی که در جایگاه اجتماعی حزب بوجود آمده پلنوم آرایش و روش نوینی را برای هدایت و رهبری حزب به تصویب رساند، به نحوی که آرایش جدید با نیازها و جهت گیری های یک حزب اجتماعی مطابقت داشته باشد. بر مبنای طرح مصوبه و این جهت گیری های جدید پلنوم ریویار احمد را به عنوان لیدر حزب کمونیست کارگری عراق انتخاب کرد.

در بخش پایانی، پلنوم، رفقا ناسک احمد، امجد غفور، آسو کمال، طاهر حسن، نادیه محمود، خسرو سایه، سامان کریم، موید احمد، سمیر عادل، محسن کریم، فارس محمود، کاژاو جمال، زمانکو عزیز، آزاد احمد، را برای عضویت در دفتر سیاسی، و رفیق امجد غفور را به عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب نمود.

کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری عراق

۲۱ دسامبر ۲۰۰۲

بنیاد منصور حکمت تقدیم میکند:

پخش فیلم سخنرانی منصور حکمت در تلویزیون

به تقاضای علاقمندان، فیلم سخنرانی منصور حکمت تحت عنوان آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود که در مارس ۲۰۰۱ در انجمن مارکس لندن ارائه شد، روز جمعه ۲۷ دیماه برابر با ۱۷ ژانویه از تلویزیون کانال ۱ پخش میشود. ساعت پخش فیلم ۴ و نیم تا ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران برابر با ۲ تا ۴ بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی است.

علاقمندان را بدیدن این فیلم دعوت میکنیم. لطفا تاریخ و ساعت پخش این فیلم را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

بنیاد منصور حکمت

آذر ماجدی

۱۷ دیماه ۱۳۸۱ - ۷ ژانویه ۲۰۰۳

از صفحه ۱

کارگران و دستمزد

بقیه کارگران، کارفرما حتی ملزم به پرداخت همین حداقل دستمزد نیز نیست. از کل جمعیت نزدیک به ده میلیون کارگر در ایران تنها حدود دو میلیون و چهار صد هزار کارگر مشمول قانون کار کنایی هستند، بقیه از دور خارجند. کارگران هیچ اختیاری در تعیین دستمزد خویش ندارند. آنها بعنوان فروشندگان نیروی کار در واقع تنها فروشندگانی هستند که اجازه ندارند بر روی کالای خود یعنی نیروی کارشان قیمت بزنند. بلکه خریدار یعنی کارفرما برایشان تعیین میکند که کالایشان را به چه قیمتی بفرشند.

اینها چند حقیقت ساده مربوط به دستمزدند. مبارزه برای افزایش جدی دستمزدها به همین دلیل حیاتی ترین مبارزه کارگری است. حکومت اسلامی سرمایه داران میلیون ها کارگر را با فاصله زیادی در زیر خط فقر نگاه داشته است و برای جلوگیری از فوران خشم این چندین میلیون نفر راهی جز تفنگ و گلوله و زندان و شکنجه ندارد. و این چندین میلیون نفر هم راهی جز به زیر کشیدن این حکومت پیش رویشان نیست. وقتی حتی سخن گفتن از سه برابر و چهار برابر کردن دستمزد کفر باشد، روشن است که برای زنده ماندن و زندگی کردن راهی جز کنار زدن این حکومت و کل سلطه سرمایه دارانی که در سایه چنین حکومتی دارند بسرعت پرواز میشوند، نمیتواند وجود داشته باشد. چرا کارگر باید به گرسنگی و فقر و محرومیت خود و فرزندانش رضایت دهد؟

دستمزد ها باید فورا و بطور اساسی افزایش یابد!

حتی دستمزد ماهرترین کارگران در بخشهای صنعتی در سال جاری چیزی در حدود ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان در ماه بیشتر نیست. این کارگران برای پاسخ گویی به نیازهای اولیه زندگی خود و فرزندانشان ناچارند به اضافه کاری مداوم و یا به کارهای دوم بپردازند. در شرایط تورم افسار گسیخته و بی مهار که بسیار بیش از آن چیزی است که بانک مرکزی و حکومت اسلامی اعلام میکنند، دستمزد هیچ بخشی از کارگران پاسخگوی نیازهای اولیه و اساسی آنها نیست. برای نمونه تامین مسکنی پائین تر از متوسط عملا دوسوم دستمزد را می بلعد. با توجه به همه این واقعیات روشن است که دستمزد کارگران باید بسیار بیش از آنچه جمهوری اسلامی و کارفرمایان حاضرند به آن تن دهند، افزایش یابد. افزایش دستمزد امر مبرم همه کارگران است. رساندن دستمزدها به سطحی حتی نه قابل قبول ولی قابل تحمل، به مبارزه ای جدی و متعهد نیازمند است. بدون این مبارزه روشن

است که تکانی ایجاد نخواهد شد. تغییر در اوضاع ایجاد خواهد شد. حتی وضع از اینکه هست بدتر خواهد شد، همانطور که بدتر شده است. تورم در چند سال گذشته باعث شده است که دستمزد کارگران بطور واقعی نه فقط افزایش نیابد بلکه کاهش یابد. افزایش جدی حداقل دستمزدها امر همه کارگران است. این افزایش باید حداقل به میزان باشد که زندگی عمومی کارگران را به سطح استاندارد متوسط جامعه برساند. کارگران نباید از هیچ بخشی از جامعه حقوق و دستمزدی کمتر دریافت کنند. کارگران نباید آنچنان که معمول است قشر فقیر جامعه را تشکیل دهند. کارگر باید بتواند انسانی زندگی کند. حداقل دستمزد نه فقط باید به سطح استاندارد متوسط جامعه برسد، بلکه هر سال بدون استثنا متناسب با تورم افزایش یابد.

کارگران در عین حال خواهان این هستند که مرجع تعیین دستمزد و افزایش سالانه آن، نمایندگان منتخب کارگران باشند و نه کارفرمایان و دولت آنها. هیچکس بیش از خود کارگران و نمایندگان منتخب آنها صلاحیت تعیین میزان دستمزد را ندارد. کارگران باید پیشروی و قدرت خود را با مبارزه برای به کرسی نشاندن حق تصمیم گیری نمایندگان منتخب کارگری در حد توان تثبیت کنند.

روشن است که وضعیت معیشتی فعلی کارگران در ایران به بهبودی جدی و اساسی نیاز دارد، و این تنها با مبارزه ای متحد و سراسری برای عقب راندن دولت اسلامی و کارفرمایان میسر است. مبارزه برای افزایش دستمزد ها امر همه کارگران است. این مبارزه ای است بحق و مشروع، با قابلیت بسیج میلیونها کارگر در صفتی واحد و خواستی واحد که بر کل موقعیت طبقه کارگر در برابر دولت و سرمایه داران تاثیراتی اساسی میگذارد و فضای کل جامعه را متحول و دگرگون میسازد. کارگران کمونیست و آگاه بیشک میتوانند بیشترین نقش را در به جریان انداختن جنبشی رادیکال و سراسری برای چنین تحولی ایفا کنند. ■

از صفحه ۱

جنگ آمریکا ...

تخریب پلها و ساختمانها و کارخانجات و مراکز برق و آب و انهدام شیرازه جامعه عراق را نیز از جیب خود این مردم، از محل فروش نفت عراق تامین کنند. پایان مهلت اعلام شده اولیه تیم های بازرسی سازمان ملل در عراق میتواند آغاز جنگ باشد. چندی پیش دونالد رامزفولد وزیر دفاع آمریکا با تمسخر خاصی در زمینه نتایج کار تیمهای بازرسان سازمان ملل گفته بود: اگر تیمهای عملیات بازرسی شواهدی دل بر اینکه عراق دارای سلاحهای کشتار دسته جمعی است بدست بیاورند بدون تردید آمریکا به عراق حمله خواهد کرد و اگر این تیمها شواهدی بدست نیاورند به این معنی است که دولت عراق قادر شده است که سلاحهای خود را از دید بازرسان بین المللی پنهان نگاهدارد، در اینصورت نیز آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟! آمریکا میروند تا در پی منافع استراتژیک و میلیتاریستی خود جنگ خونینی را بر مردم عراق تحمیل کند. برآورد پزشکان بدون مرز حاکی از آن است که در موج اولیه نظامی به خاک و خون کشیده خواهند شد. پی آمدهای این جنگ ارتجاعی چهره منطقه را دگرگون خواهد کرد.

اما تبلیغات رسمی رسانه‌های بورژوازی و هیات حاکمه آمریکا همچنان اینطور وانمود میکنند که گویا این جنگ بر سر دستیابی صدام حسین به سلاحهای کشتار دسته جمعی است. بر سر تروریسم و تجهیز تروریستهای اسلامی به سلاحهای کشتار دسته جمعی است. برای دفاع از حقوق پامپال شده مردم عراق توسط رژیم دیکتاتوری صدام حسین است. بر سر دمکراسی در عراق است، و سر مقاله نیویورک تایمز اعلام میکند که: "آمریکا در حال تکمیل طرح اداره و دموکراتیزه کردن عراق پس از صدام است." بیرون کشیدن حقیقت از زیر این موج دروغ و ریا و تبلیغات جنگی کار دشواری نیست. تحلیل‌ها و سیاستهایشان توجیه تبلیغات و بهانه‌های جنگ طلبی دستگاه حاکم بر آمریکاست.

این جنگ بر سر دستیابی صدام حسین به سلاحهای کشتار دسته جمعی و یا کاربرد احتمالی آن و یا دستیابی اسلام سیاسی به این سلاح کشنده نیست. حتی کارشناسان سپا نیز ارتباطی میان فاجعه ۱۱ سپتامبر و دولت صدام برقرار نکردند. اگر کسی واقعا نگران وجود این سلاحها باشد، برای از بین بردن خطر کاربرد آنها باید در درجه اول آمریکا و متحدینش و سپس روسیه و سایر کشورهای اتمی جهان را خلع سلاح کند. باید این ابزار جهنمی کشتار را نابود و از زندگی بشر حذف کرد. خلع سلاح اتمی عراق فقط یک بهانه است.

این جنگ بر سر تروریسم و افزایش قدرت مانور تروریسم اسلامی نیست. تروریسم اسلامی با این جنگ نه تنها تضعیف نخواهد شد، برعکس تقویت خواهد شد. زمینهای مناسب برای رشد و گسترش و سررازی گیری و تغذیه پیدا خواهد کرد. زخمی که این جنگ بر پیکر مردم منطقه ایجاد خواهد کرد مورد بهره برداری انگلهای اسلامبست در منطقه قرار خواهد گرفت. اگر کسی راستی خواهان تضعیف و نابودی تروریسم اسلامی است، باید در درجه اول مسأله فلسطین را بطور عادلانه حل کند. باید کشور مستقل فلسطینی را برسمیت شناخت. بعلاوه ستون فقرات جنبش اسلام سیاسی رژیم اسلامی در ایران است. بدون حمایت غرب و بخصوص اروپا رژیم اسلامی نمیتواند سرپا بایستد. مردم کارش را هر چه سریعتر بکسره خواهند کرد. حمله آمریکا تنها موجب گسترش تروریسم اسلامی خواهد شد. جنگ آمریکا بر سر حقوق پامپال شده مردم محروم و تحت ستم عراق توسط رژیم دیکتاتوری فاشیستی صدام نیست. اگر کسی ذره‌ای دلش برای مردم عراق سوخته باشد باید خواهان لغو فوری تحریم اقتصادی مردم توسط آمریکا و متخلی‌ش باشد. غذا و داروی میلیونها مردم محروم را گروگان گرفتاراند، و هر ماهه چند هزار کودک و سالمند را در اثر بی دارویی و عدم امکانات پزشکی به کشتن می‌بندند. تحریم اقتصادی مردم عراق خود بزرگترین سلاح کشتار دسته جمعی است. آمریکا برای آزادی و رهایی مردم عراق به جنگ نیروود. بمبارانهای آمریکا نابودی و کشتار مردم را بدنبال خواهد داشت. می‌خواهند

از ارتفاع ۳۰ هزار پایی، از کشتی های جنگی و زیر دریایی ها هزاران تن بمب و موشک کروز بر شهرها و بر سر مردم بریزند و پس از آن سگان شکاری و نیروهای زمینی خود را برای محاصره شهرها و بغداد وارد عمل کنند. این جنگ از جامعه عراق یک مغزوبه بجای باقی خواهد گذاشت. بعلاوه بدنبال آن هستند که تا با سرنگونی صدام دولتی دیگر از جنس صدام، یک ارتجاع دیگر را، در عراق مستقر کنند. سرنگونی صدام کار مردم عراق است، کار جنبشهای اجتماعی برای خلاصی از این شرایط ضد انسانی است.

اما این جنگ بر سر چیست؟ این رویداد خونین را باید در متن تحولات جهان پس از جنگ سرد و تلاش آمریکا برای تثبیت نظم نوین جهانی ارزیابی کرد. در دوران جنگ سرد جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان تحت تاثیر صف بندی دو بلوک شرق و غرب قرار داشت. نه فقط تقسیمات و بلوک بندیهای جهانی بلکه کل روینای فکری و سیمای ایدئولوژیک جهان تحت تاثیر این تقابل جهانی قرار داشت. با فروپاشی شوروی و بلوک شرق این تعادل از بین رفت. این معادلات باید از نو تعریف میشد. بیش از یک دهه است که آمریکا تلاش میکند که نظم ارتجاعی جهانی دیگری را جانشین معادلات گذشته در دوران جنگ سرد نماید. جنگ خونین خلیج در ۱۹۹۰ تلاش اولیه و شروع خونین شکل دادن به این نظم ضد انسانی بود. به بهانه بازگرداندن شیخ کویت به تاج و تخت و چاههای نفتش یک جنگ تمام عیار را سازمان دادند. این جنگ ادامه همان استراتژی و تلاش دیگری برای تثبیت نظم نوین جهانی است. آمریکا در صدد تثبیت موقعیت ابر قدرتی خود در جهان است. با این جنگ می‌خواهند آخرین میخهای تثبیت این نظم ضد انسانی را بکوبند. این جنگ صحنه نمایش قدر قدرتی و قلدری و میلیتاریسم آمریکاست. هیات حاکمه آمریکا در پی این منافع مردم منطقه را در برابر یک تراژدی انسانی دیگر قرار داده است.

در فرای این جنگ ما شاهد آرامش بیشتر در منطقه و جهان نخواهیم بود. بر عکس این دیکتاتوری و میلیتاریسم و تروریسم است که قرار است سیمای جهان و منطقه را تماما ترسیم کند. این جنگ تلاشی برای ارباب مردم جهان است. باید جلوی این جنگ طلبی تروریستی و میلیتاریسم هیات حاکمه آمریکا و انگلستان با تمام قدرت ایستاد. باید ریاکاری و تبلیغات جنگی رسانه‌های نظم نوینی را افشا کرد. این جنگ پیش پرده موجی از تهاجمات و عملیات تروریستی در سطح جهان است. در عین حال نباید اجازه داد اعتراض علیه تروریسم دولتی آمریکا مورد سوء استفاده جریانات اسلامی و ناسیونالیستی قرار گیرد. ■

انجمن مارکس (کانادا) برگزار میکند:

سمینار بررسی انقلاب روسیه

جلسه دوم: انقلاب ۱۹۰۵ و تدارک انقلاب ۱۹۱۷

سخنران: محسن ابراهیمی

زمان: شنبه ۱۱ ژانویه ۲۰۰۳ (ساعت ۷ تا ۱۱ بعدازظهر)

مکان: تورنتو، اوریلو کامیونیتی سنتر

2975 Donmills Rd

marx_can1@yahoo.com ۷۳۷ ۹۵۰۰ (۴۱۶)

مرگ بر
جمهوری
اسلامی!
زنده باد
جمهوری
سوسیالیستی!

این ماشین جنایت را باید در هم کوبید!

نمونه های آنها را بعنوان قاتلین خطرناک در سلولها نگه میدارند تا آسایشان به کودکان و زنان و مردان جامعه نرسد. اما در ایران طبقه سرمایه دار تمام ابزارهای قدرت و جنایت ملرن را در دستشان قرار داده و آنها را به جان مردم انداخته است. این حکومت باید سرنگون شود. این حکمی است که مردم ایران برای به اجرا گذاشتن آن پا به میدان گذارده اند.

اعدام چیزی جز قتل رسمی و دولتی نیست. همیشه ابزاری بوده است در دست سرکوبگران مردم. این ابزار را باید از دست همه حکومتها گرفت. اعدام باید فوراً متوقف شود. جمهوری اسلامی را باید با موج اعتراض و مبارزه و افشاکاری علیه اعداها و مجازاتهای وحشیانه اسلامی زیر ضرب قرار داد. سران و کارگزاران و مزدوران این حکومت باید به جرم اعدام و وحشیگری علیه انسانها به دادگاههای مردم سپرده شوند.

جمهوری اسلامی عامل و مسؤل مستقیم کشتار زندانیان گرگان!

قتل عام و این جنایت هولناک است. سران این رژیم و مسببین مستقیم این تراژدی تلخ باید در دادگاه های مردم محاکمه شوند و به کیفر اعمال خویش برسند. گذشته از اینکه این زندانیان است که باید امنیت و جان انسانهایی را که دست بسته در پشت میله ها محبوس کرده تامین نماید، گذشته از اینکه خود حکومتیان در مجلس اسلامی دارند همکارانشان را بعنوان قاتلین زندانیان زنان گرگان معرفی میکنند، سران و کارگزاران و مزدوران این رژیم نشان داده اند که نه فقط برای جان زندانیان بلکه برای جان هیچ کس از مردم ارزشی قائل نیستند.

حزب کمونیست کارگری ایران تاسف و تأثر خود را از قتل عام زندانیان زنان گرگان اعلام میدارد و به همه بستگان و دوستان آنها تسلیت میگوید. نام همه آنها در کنار قربانیان جمهوری اسلامی ثبت خواهد شد و دیر نخواهد بود روزی که مسببین و عاملین این کشتار به دادگاه های مردم سپرده شوند. ما همه مردم آزاده را به ابزار علنی خشم و نفرت بر علیه جنایتکاران حاکم و اعتراض به کشته شدن زندانیان زندان گرگان فرامیخوانیم.

روز چهارشنبه یازدهم دیماه جمهوری اسلامی سه نفر را در شهر اهر به دار آویخت. در همین روز دو جوان در فرودگاه شهر شاهرود به دار آویخته شدند. در شهرستان دشتی بوشهر نیز یک نفر حلق آویز شد. هفته گذشته دادگاهی اسلامی در شیراز دو دانشجو را به قطع پای چپ و دست راست محکوم کرد. اعدام و جنایت و مجازاتهای اسلامی قصاص و قطع دست و پا و سنگسار در بیست و سه سال گذشته جزئی جدایی ناپذیر از حاکمیت اسلامی بوده است. اما امروز این ددمنشی بیرحمانه عمدتاً با هدف ایجاد فضایی از رعب و وحشت بر علیه مردمی که به میدان آمده اند تا خود را از شر این جانین خالص کنند، به کار گرفته شده است.

این حکومت هیچ سازگاری ای با انسانیت ندارد و نمیبایست جایی در تاریخ بشریت بیابد. اینها آدمکشان و قاتلینی هستند که در همه جای دنیا

بنا به گزارشها آتش سوزی مهیب زندان گرگان بعد از سه روز همچنان ادامه داشته است. دهها تن از زندانیان در پشت میله ها جزغاله شده اند. حکومت جنایتکاران آمار دقیقی از کشته ها و مجروحین منتشر نکرده است و رقم ۲۷ کشته که در روز اول اعلام گردید بنا به گزارشهای رسمی دروغ محض است و با واقعیات تناسبی ندارد. یکی از روزنامه های تهران بدون اینکه از تعداد کشته ها آماری منتشر کند تعداد مجروحان این واقعه را که جمهوری اسلامی در یک جا ۹ تن اعلام کرده بود، بالغ بر دوستان نفر دانست. یک روزنامه دیگر از زبان مقامات گفت که تعدادی از مجروحان در وضعیت وخیمی بسر میبرند. گفته میشود هنوز اجساد تعدادی از زندانیان در زیر آوار باقی است. یکی از نمایندگان مجلس اسلامی از استان گلستان این آتش سوزی را عمدی نامید و گفت به همین دلیل به نگهبانان و زندانبانان هیچ آسویی نرسیده است. یکی از روزنامه ها اعلام کرد که هشتاد در صد زندانیان این زندان را زندانیان سیاسی تشکیل میدهند.

جزئیات واقعه هرچه باشد جمهوری اسلامی مسبب بی چون و چرای این

نقش کارگران در صحنه سیاست

از صفحه ۱

از نمایندگان سازمان جهانی کار در ایسنا منتشر شده که در واقع اعتراض به برسمیت شناخته شدن دو تا از انجمن های صنفی جنبه مشارکت بعنوان تشکل های مستقل کارگری است. درباره جزئیات مسائل مربوط به تحرک جناحها و مضمون کار آنها درباره جنبش کارگری بعداً میشود صحبت کرد. اما نکته ای که بنظر اهمیت دارد اینست که مستقل از اهداف و داد و قال های خانه کارگر و جنبه مشارکت درباره مسائل کارگران، این دو جریان دو خردادی جزو حرکتی هستند که به انتها رسیده و مفتضح شده اند. اگر دو خرداد هم به همراه کل رژیم رفتنی است، دیگر طرح و برنامه آنها هم درباره کارگران اهمیتی ندارد. جدالهایی که اینها با همدیگر دارند در سطح علنی و دولتی نهادهای ضد کارگری کنونی را بیش از پیش نامعتبر کرده و بحث تشکل را دوباره باز کرده است. در این شرایط کارگران میتوانند و باید روی تشکل های خودشان تاکید کنند و اقدام به برپائی آنها بکنند. مجامع عمومی کارگری لازم است در سطح وسیعی از کارخانه ها و محیط های کارگر بطور منظم برپا شود و به همدیگر متصل شوند.

بالتر اشاره کردم که طبقه کارگر امروز حضور قدرتمندی در صحنه سیاست ندارد. دلیل این در درجه اول عدم تشکل است. اما در مقابل باید به شرایط امروز هم توجه کرد. وضعیت درب و داغان رژیم و پیشروی جنبش سرنگونی و ضعیف شدن قدرت رژیم در مجموع فضا را به نفع کارگران برای به میدان آمدن فراهم تر کرده است. حرکتی اولیه ای مانند اعتراضات مشترک و سازماندهی شده چند کارخانه با همدیگر، و همچنین پشتیبانی وسیع مردم کوچه و خیابان از مبارزات و اعتراضات کارگری نمونه هایی هستند که روحیه و فضای متفاوت را نشان میدهد. اما علاوه بر این نکته مهم که فضای سیاسی جامعه در جهت پیشروی مردم و کارگران است، یک نکته اساسی هم اینست که وضعیت وخیم اقتصادی و معیشتی کارگران در شرایط امروز هیچ چشم اندازی برای بهتر شدن ندارد مگر اینکه کارگران برای تغییر آن دست بکار شوند، در غیر اینصورت وضعیت کارگران هر روز بدتر میشود، همچنانکه تاکنون چنین بوده است. از اینرو طبقه کارگر اگر بخواهد وضعیت خود و جامعه را تغییر دهد باید به میدان بیاید. اما کارگران فقط وقتی میتوانند خود را آزاد کنند که کل جامعه را آزاد نمایند. اگر طبقه کارگر پرچم آزادیخواهی را بدست بگیرد، و اگر کارگران پرچمدار مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و جوانان باشند، در اینصورت میتوانند بعنوان رهبر مبارزات آزادیخواهانه جامعه از پشتیبانی وسیع توده مردم برخوردار باشد. قدم اول و اساسی در این راه ایجاد تشکل سراسری کارگران است، باید به جنبش مجامع عمومی دامن زد.

در انتها لازم است به یک نقطه قدرت طبقه کارگر مثلاً در مقایسه با شرایطی که کارگران در انقلاب ۵۷ داشتند اشاره کنم. این نقطه قدرت وجود حزب کمونیست کارگری است که در آزمون وجود نداشت. در واقع امروز طبقه کارگر مشکل حزبی را ندارد، حزبی بزرگ، اجتماعی، روشن و با برنامه فعال در صحنه سیاسی ایران حضور دارد. این حزب طبقه کارگر، و تمام مردم آزادیخواه ایران است. آنروزی که طبقه کارگر با ایجاد تشکلهای توده ای خود و با اتکا به حزب خود به صحنه سیاسی پا بگذارد، شانس پیروزی آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه بطور جدی افزایش مییابد.

اینست که حتی خیلی قبل از دو خرداد ۷۶ کارگران مرتباً برای دستیابی به خواستههای خود دست به اشکال متفاوتی از اعتراض زده اند. در پنج شش سال اخیر هم تقریباً روزی نبوده که کارگران در گوشه ای دست به اعتراض زده باشند. مساله اینست که بویژه در چند سال اخیر بخش عمده این اعتراضات، که در موارد زیادی هم به لحاظ شکل اعتراض اشکال جدید و میلیتانتی هم داشته است، عمدتاً بخاطر پرداخت نشدن دستمزدهای معوقه بوده است. رژیم و سرمایه داران علاوه بر استثمار وحشیانه و تحمیل انواع بی حقوقی به کارگران، دستمزد توافق شده را به کارگر نمیدهند و در نتیجه انرژی و توان کارگران برای گرفتن حقوق هایشان مصرف شده است. از این جهت است که کارگران را در موقعیتی قرار داده اند که برای دفاع از خود و دفع این حمله ضد انسانی و ضد کارگری رژیم و کارفرما به اشکال مختلف اعتراض، از بستن جاده و تحصن و راهپیمائی تا اعتصاب و درگیر شدن با نیروی سرکوب و غیره، روی بیآورند. واقعیت اینست که عدم پرداخت دستمزدهای معوقه ضربه ای به کل کارگران زده است.

اما وضعیت اتحاد و تشکل کارگران طوری است که علیرغم اینکه هر روز در چند گوشه ایران کارگرانی مشغول اعتراض هستند، اما بخش زیادی از این مبارزات به نتایج مهمی نرسیده اند. بعنوان مثال در مورد دستمزدهای معوقه بعد از اعتراضات وسیع و دوندگی های کارگران مثلاً دو ماه حقوق را میدهند و سه ماه بعد دوباره نمیدهند. در نهایت میشود گفت کمتر کارخانه ای است که از زمان به تعویق انداختن حقوق کارگران تا امروز بطور کامل این مشکل را حل کرده باشد. یک فاکتور مهم در ایجاد این وضعیت قطعاً موقعیت کارگران به لحاظ تشکل است. امروز مهمترین معضل طبقه کارگر ایران تشکل است. قدرت کارگر در تشکلات است و نبود تشکل سراسری کارگران باعث شده که طبقه کارگر از اعمال قدرت طبقاتی اش، حتی برای دفاع از خواسته ها و مطالبات اقتصادی خود، محروم باشد.

مانع اصلی در مقابل کارگران برای ایجاد تشکل های واقعی خود کارگران اساساً جمهوری اسلامی بوده است. شوراهای اسلامی و خانه کارگر که در این سالها در مقابل کارگران قرار داده شده اند نقششان برای کارگران بعنوان نهادهای ضد کارگری روشن است. این نهادها یک عامل بازدارنده در مقابل کارگران برای ایجاد تشکل های واقعی بوده اند. از طرف دیگر در چند سال اخیر بعد از دو خرداد، در متن دعوا و رقابتهای جناحها بر سر کنترل جنبش کارگری مباحث دیگری حول تشکل و تغییر قانون کار فعال شده اند که در اینجا امکان بررسی آنها نیست. فقط اینرا اشاره کنم که بحث تشکل در متن رقابتهای جنبه مشارکت و جریان خانه کارگر و شوراهای اسلامی به مساله ای تبدیل شده که بنوعی میتوان گفت که اساس تشکل های دولتی موجود بیشتر زیر ضرب قرار گرفته اند. جنبه مشارکت قصد دارد شوراهای اسلامی را حاشیه ای کند و انجمن های صنفی ای درست کند که سازمان جهانی کار آنرا برسمیت بشناسد و جریان خانه کارگر و شوراهای اسلامی و حزب کار اسلامی میخوانند جلو اینکار را بگیرند. اخیراً هم نامه اعتراضی تعدادی از نمایندگان کارگران نفت خطاب به دو نفر